

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حزب کار ایران – توفان
۲۴ سپتمبر ۲۰۱۳

کمونیستها و انتخابات پارلمانی

کمونیستها در عین این که مخالف پارلمانتاریسم هستند مخالف شرکت در پارلمان نیستند. پارلمانتاریستها فکر می کنند که با شرکت در پارلمان می توانند جامعه را از بنیاد به نفع نیروهای تحت ستم تغییر دهند، درحالی که کمونیستها که پارلمانتاریست نیستند بر آنند که از طریق پارلمان نمی شود جامعه را به طور بنیادی دگرگون ساخت ولی از این ابزار می توان برای بسیج و دادن آگاهی به مردم استفاده کرد. شرکت آنها در پارلمان برای استفاده از آن به عنوان بلندگو، کرسی خطابه، به عنوان ابزار افشاءگری، به عنوان یک نوع تماس مستقیم با توده مفید است. و تازه چنین شرکتی در اوضاعی قابل توجه است که وضعیت انقلابی در جامعه حاکم نبوده و جنبش مردم پیشتر از تمایل شرکت در پارلمان قرار نداشته باشد. در غیر این صورت جنبش مردم همه بساط پارلمان و هم پارلمانتاریسم را می ریزد و خود بر سر کار می آید.

طبیعی است چنین شرکتی در عین حال مشروط بر این است که انتخاباتی کم و بیش دموکراتیک صورت بپذیرد و آزادی احزاب وجود داشته باشد وگرنه کمونیستها هرگز نمی توانند به درون مجالس بورژوائی راه پیدا کنند چه برسد که در آنها به عنوان سکوی خطابه به افشاءگری بپردازند.

وضعیت واقعی چگونه است

در ممالکی که احزاب اپوزیسیون ممنوع هستند، در ممالکی که نمایندگان از مصونیت پارلمانی برخوردار نیستند و همیشه از طرف قوه مجریه تحت فشار هستند و سرشان زیر ساطور تهدید مأمورین امنیتی و دستگاه قضائی قرار دارد، در ممالکی که حتی به عنوان فرد نیز کسی نمی تواند از صافی مراجع نظارت انتخاباتی بگذرد، شرکت در انتخابات بیشتر به یک شوخی سیاسی شبیه است و موجب خنده می شود تا تحقق یک خواست دموکراتیک و یا تحمیل یک خواست دموکراتیک به حکومت و استفاده از ابزار پارلمان برای افشای حاکمیت. در ممالکی که کمونیستها در انتخابات شرکت می کنند با این هدف است که نامزدهای مورد اعتماد خویش را که خود تعیین کرده اند به مجلس بفرستند و یا به ریاست جمهوری برسانند. این شرط عقل است. فقط بی عقلان و یا مغرضان مردم را دعوت به شرکت در انتخاباتی می کنند که حتی خودشان نامزدها را تعیین نکرده و می خواهند به نامزدهای دیگران رأی دهند. شرکت در انتخابات آنها انتخاب آزادانه آنها نیست انتخاب کسانی است که برای آنها انتخاب کرده اند. آنها حق انتخاب غذا برای تناول ندارند باید آش کشکی را بخورند که خاله برایشان از قبل تهیه دیده است. آیا می شود چنین انتخاباتی را با نمونه هایی که بزرگان مارکسیسم در موردش نظر داده اند قیاس نمود؟

در ایران احزاب ممنوع هستند، نامزدهای انتخاباتی با تأیید شورای نگهبان انتخاب می شوند و برد و باخت آنها نیز با توجه به نظر شورای نگهبان است. یعنی از روز نخست روشن است که مردم باید بین طاعون و یا وبا یکی را انتخاب کنند. در واقع حق انتخابی وجود ندارد تا کسی از این حق دفاع کند. این که سازمانها، گروه ها و احزاب مردم را به شرکت در انتخابات فرا بخوانند کار دیگری نکرده اند جز این که مهر تأیید بر صحت این انتخابات زده باشند. آنها شرکت خویش را در این انتخابات با هیچ کدام از استدلالات شناخته شده سیاسی هرگز نمی توانند توجیه کنند. تنها یک استدلال می ماند و آن این که ما اساس نظام جمهوری اسلامی را به رسمیت می شناسیم و به رافت اسلامی ایمان داریم و می طلبیم که رحمی کرده نامزدهای انتخاباتی ما را نیز به رسمیت بشناسید.

انتخابات ۲۴ خرداد [جوزا] چنین انتخاباتی بود. انتخاب حسن روحانی به مفهوم تحقق خواستهای مردم نبود. وی با خواستهای مردم موافق نبوده و نیست و در برنامه خود نیز به آنها اشاره ای هم نکرده است که بعد از انتخاب آنها را عملی کند. در اینجا هندوانه را به شرط چاقو نمی خریم.

حسن روحانی بر این اصل غیر دموکراتیک، ۳۴ سال است که صحنه می گذارد که قبلاً خمینی و حالا شورای نگهبان بر صلاحیت نامزدهای انتخاباتی نظارت کنند و آنها را تأیید و یا رد نمایند. حسن روحانی و سایر نامزدها تأیید کرده اند که این عمل ضد دموکراتیک و مستبدانه عین دموکراسی اسلامی و به صلاح اسلام ناب محمدی است. آنها با این کار سالها از تصمیم نامزدی صدها انسان دموکرات و آزادیخواه جلو گرفته اند. آنها قبول کرده اند که این حق شورای نگهبان است که حق انتخاب مردم را محدود و مسدود می کند و خودشان نیز اختیارات این شورا را به رسمیت شناخته اند. آقایان حسن روحانی، قالیباف، جلالی، رضائی، عارف و ولایتی... این بازی انتخاباتی را پذیرفته و به آن اعتراضی نداشته اند. آنها خود نمایندگان یک بازی استبدادی هستند و لذا مشروعیتی ندارند، تا نظریات شورای نگهبان را به زیر پرسش ببرند. شورای نگهبان اختراع جدیدی نکرده است، تنها از اختیارات خویش که مورد تأیید سایر نامزدها نیز بوده است، استفاده کرده است. شورای نگهبان بر اساس مصلحت اسلام که همان مصلحت رژیم جمهوری اسلامی است رفتار کرده است.

حال در انتخابات مهندسی شده ۲۴ خرداد همه این آقایان نامزدها دست داشته اند و رضایت خود را برانتهصاب حسن روحانی به عنوان مناسبترین آلترناتیو سیاسی و ناجی نظام ابراز داشته اند. هاشمی رفسنجانی که ابتداء از حذفش گله مند بود پس از پیروزی حسن روحانی، انتخابات را "یکی از دموکراتیک ترین ترین انتخابات نامید".

آیا کمونیستها باید با توجه به احساس مسئولیتی که در خود احساس می کنند مردم را دعوت می کردند در این بازی مسخره "دموکراسی" که هیچ معنای دیگری نداشت جز این که مشروعیت رژیم را تأیید کند و مردم را به الطاف این رژیم خوش بین نماید شرکت کنند؟ به نظر حزب ما چنین اقدامی به صلاح مردم ایران نبود و نیست. کمونیستها باید انتخابات را تحریم می کردند و به مردم می گفتند که شرکت در این نمایش و ریختن رأی به صندوق به نفع کلیت رژیم جمهوری اسلامی و تأیید همه جنایات و کشتاری است که تا کنون او مرتکب شده است. نمی شود مردم را مانند اصلاح طلبان حکومتی به شرکت در انتخابات قلابی فراخواند و برای رژیم مشروعیت دست و پا کرد و بر قلابی بودن و ضد دموکراتیک بودن انتخابات سرپوش گذارد. این که بخشی از مردم بازم فریب اصلاح طلبان را خوردند نمی شود با توهم این که انشاء الله دفعه بعد هم گریه است از تحریم انتخابات دست کشید و مردم را به شرکت در انتخابات میان بد و بدتر دعوت کرد. رژیم جمهوری اسلامی و در رأس آن خامنه ای با برنامه ای از پیش طراحی شده به میدان آمد تا توده ها را آرام به میدان انتخابات بکشاند و با گرفتن رأی مشروعیت از آنها، شرایط ساخت و پاخت با امپریالیسم را برای حل بحران نظام فراهم آورد. این سیاست همه جناحهای رژیم چه اصلاح طلب و یا اصول گراست. خامنه ای در خواب هم نمی دید بازی انتخابات به این راحتی و بی سرو صدا به پایان برسد. لبخند رضایت بر لبان خامنه و رفسنجانی و

خاتمی و روحانی رضایت از نتیجه "حماسه انتخابات" است. آنها که انتخاب حسن روحانی را یک پیروزی و یک سیلی بر صورت خامنه ای می پندارند، باید پاسخگوی فرجام این سیاست نادرست و اپورتونیستی خود که جز خاک پاشیدن بر چشم مردم نیست، باشند. انتخاب عقرب جرار درمقابل مارغاشیه تکرار شکستهای گذشته است و جز این نیست.

نقل از توفان الکترونیکی شماره ۸۶ نشریه الکترونیک حزب کارایران شهریورماه [سنبله] ۱۳۹۲

www.toufan.org